

وقتی سپیده زد

فرهنگی و هنری

نمایشگاه «وقتی سپیده زد» برگزار می‌شود.

به گزارش مستقل به نقل از روابط عمومی این نمایشگاه، «وقتی سپیده زد» عنوان نمایشگاهی است که در آن نقاشی‌های نرگس موسوی (فرزند میر حسین موسوی) روی دیوار می‌رود.گالری طراحان آزاد از ۲۰ تا ۲۵ مردادماه میزبان این آثار خواهد بود. این گالری در تهران، میدان فاطمی، میدان گل‌ها، میدان سلماس، شماره ۵ واقع است.
نمایشگاه «وقتی سپیده زد» جمعه، ۲۰ مردادماه ساعت ۱۶ تا ۲۰ در گالری یادشده افتتاح می‌شود.

ترجمه یک رمان به آلمانی به روایت نویسنده

اینشتین اهمیت زمان را به همه ما نشان داد. اما چه سا زاویه‌هایی از جهان از دید ما پنهان مانده‌اند که در زندگی روزمره ما نقشی برای ما بازی می‌کنند و ما از کنار آن‌ها می‌گذریم، بی آن‌که دریابیم کدام‌یک از این رخدادها راستین هستند و کدام‌شان در ذهن و درون مغز ما رخ می‌دهند.

به عنوان یک روان‌پزشک برایم درون ذهن آدمیان و دلایل برداشت‌ها و رفتارهای آن‌ها کنش بسیاری داشته و دارد. (و باید در این‌جا بر روی تفاوت روان‌پزشک و روان‌شناس تاکید کنم! در همه جهان این دو شغل را با هم اشتباه گرفته و به جای هم به کار می‌برند. هرچند همکاری بسیار نزدیکی میان این دو گروه وجود دارد، اما یک روان‌پزشک پیش از گرفتن تخصص یک پزشک است تا این دوزبانه‌نویسی معنایی داشته باشد. اما می‌بایست ایران جایگاه خود را داشته باشد و چنین هم نشد. دیگر نکته مهم و به‌راستی خطر بزرگی که پذیرفتم، نگارش به فارسی سره و تا آن‌جا که ممکن باشد، پرهیز از واژه‌های بیگانه بود. چند بار شنیدم که در این‌باره گفته شد، کسی این‌گونه سخن نمی‌گوید. اما مگر کسی به فارسی کتابی و البته پر از واژه‌های عربی و انگلیسی و فرانسه حرف می‌زند؟ زبان گفتاری کوچه و بازار می‌تواند آن لهجه تهرانی من باشد، اما چرا باید یک فرد اروپایی هم آن‌گونه سخن بگوید؟ مگر نه این‌که دیالوگ‌های کتاب‌های خارجی برنگردانده‌شده به (بود).



و هنگامی که بدانیم شناس پذیرش یک کتاب چاپ‌نشده از سوی یک ناشر در آلمان بنا بر آمار رسمی ناشران یک در هزار است، به سختی کار بیشتری می‌بریم.

اما چرا چنین اندیشه‌ای در من پدید آمد و نیرو گرفت؟ چه انگیزه‌هایی برای نگارش این داستان بلند و آن هم به دو زبان و همزمان داشته‌ام؟ پاسخ یکی نیست و چند جنبه دارد. نخست این‌که ایده آغازین همچون جرقه‌ای به سرم پرتاب شد، با این درون‌مایه که شاید جهان ما زا‌هایی بسیار بیشتر از آن‌چه گمان می‌کنیم می‌دانیم دارد، و آفرینش تنها در این سه بعدی که همه آدمیان می‌بینند و پس از آمدن تئوری آلبرت اینشتین به چهار بعد افزایش یافت، خلاصه می‌شود.

از «سارا و آیدا» و «فصل نرگس» تا «زادبوم» سه فیلم اجتماعی روی پرده نقره‌ای

چهار رشنبه ۱۸ مردادماه چند فیلم سینمایی جدید

به گردهنواگران فیلم‌های روی پرده افزوده می‌شود.

پس از پر شدن سقف ۷ هفته‌ای زمان اکران فیلم‌های روی پرده از روز چهارشنبه ۱۸ مرداد ماه می‌ری، فصل نرگس به کارگردانی نگار آزادیجاتی و زادبوم به کارگردانی ابوالحسن دودی در گروه‌های مختلف سینمایی روی پرده می‌روند.

سارا و آیدا

فیلم سینمایی سارا و آیدا به کارگردانی مازیار میری و تهیه‌کنندگی همایون اسعدیان است. این فیلم روایت دوستی سارا و آیداست که بران یک اتفاق تبدیل به فاجعه‌ای غیرقابل‌جبران می‌شود. سارا و آیدا تازترین اثر مازیار میری است که پس از چهار سال دوری از سینما ساخته شده است. در خلاصه داستان فیلم آمده است: سارا و آیدا دوستان صمیمی هستند که آبروی یکی از آن‌ها به خطر افتاده است و حالا باید به کمک هم شرایط را به حالت عادی بازگردانند، اما این دو دوست تا کجا پای یکدیگر می‌ایستند؟ در این فیلم که فیلمنامه آن را امیر عربی نوشته، غزل شکری، یگانه آهنگرانی، سعید چنگیزیان، شیرین یزدان بخش نیز به ایفای نقش پرداخته‌اند. این فیلم قرار است در گروه سینمایی آزادی و به جای فیلم زیرسقف دودی ساخته پوران درخشنده به روی پرده

عباس مخبر با «خاطره‌ای در آب»

نمایشگاه عکس‌های عباس مخبر با عنوان «خاطره‌ای در آب» برپا می‌شود.

عباس مخبر - مترجم و اسطوره‌پژوه - در این‌باره گفته است: من دلپسته طرح‌ها، فیگورهای ناپایدار و رنگ در طبیعت هستم.

پیش از این، مجموعه عکس‌های در خاطره درخت را به‌نمایش گذاشته‌ام و حالا فتدیل که به‌زعم من، خاطره‌ای کوتاه در زندگی آب است، یا دقیق‌تر بگویم محصول مشترک آب، گیاه، خاک و سنگ. این عناصر اولیه زندگی در هوایی سرد و استخوان‌سوز گرد می‌آیند تا در فرصتی کوتاه، زندگی قندیلی را تجربه کنند. از همین رو است که قندیل‌ها سیلان آب، استواری سنگ و نرمش گیاه را با هم ترکیب می‌کنند.

قندیل‌هایی‌که حول شاخ و برگ گیاهان در گوشه و کنار روان آب‌ها و دیواره رودخانه‌ها ساخته می‌شوند، در جهان حضور کوتاه دارند و با تابش نخستین پرتوهای آفتاب به زهدان اصلی خود، آب‌های جاری بازمی‌گردند.

این بلورهای یخی وقتی با نور ترکیب می‌شوند، منشوروار



آلبوم موسیقی «باغ‌های معلق انگور» اثری از گروه موسیقی «گاه» به نوازندگی حمید مردابیان و بابک کوهستانی با یادداشتی از محمدرضا روحی منتشر شد. «باغ‌های معلق انگور» نام آلبومی با هنرمندی حمید مردابیان نوازنده سنتور و بابک کوهستانی» نوازنده ویولا است که مشتمل بر ۶ قطعه بی کلام با نام‌های «آن اول»، «آن دوم»، «آن سوم»، «آن چهارم»، «آن پنجم» و «آن ششم» در دسترس علاقه‌مندان موسیقی قرار

«منظر فرهنگی اورامان»، مهمان یونسکو در ۲۰۱۸

برای کسی که کتاب را نخوانده، اما قصد خواندن آن را دارد، نمی‌توان بیش از این توضیح داد بی آن‌که گروه معماری دانستان را باز کرد. اما همین بس که دو نکته یادشده (رازهای پنهان جهان و نیز ت تجربه‌های کاری یک روان‌پزشک) برای من دو رکن اصلی دانستان بوده‌اند

و تلاشم در پیوند این دو درونمایه در چارچوب داستانی است که در آینده نزدیک می‌گذرد و دست کم در ظاهر، داستانی است علمی-تخیلی. اما خواننده گرماسی و بردباری که تا پایان راه با من همراه می‌شود، شاید دریافت و داوری دیگری در باره زائر و گونه این رمان پیدا کند:از همان آغاز بر آن بودم که رمانی نه ایرانی، بلکه جهانی و یا دست کم اروپایی بنویسم. مکان کار و زندگی‌ام، تا این دوزبانه‌نویسی معنایی نداشته باشد.

اما می‌بایست ایران جایگاه خود را داشته باشد و چنین هم نشد. دیگر نکته مهم و به‌راستی خطر بزرگی که پذیرفتم، نگارش به فارسی سره و تا آن‌جا که ممکن باشد، پرهیز از واژه‌های بیگانه بود. چند بار شنیدم که در این‌باره گفته شد، کسی این‌گونه سخن نمی‌گوید. اما مگر کسی به فارسی کتابی و البته پر از واژه‌های عربی و انگلیسی و فرانسه حرف می‌زند؟ زبان گفتاری کوچه و بازار می‌تواند آن لهجه تهرانی من باشد، اما چرا باید یک فرد اروپایی هم آن‌گونه سخن بگوید؟ مگر نه این‌که دیالوگ‌های کتاب‌های خارجی برنگردانده‌شده به

«منظر فرهنگی اورامان»، مهمان یونسکو در ۲۰۱۸

قدم‌های آخر کارشناسان ثبت جهانی برای تکمیل پرونده «منظر فرهنگی اورامان» در کردستان برداشته می‌شود تا این محوطه تاریخی به عنوان یک پروندهی فرهنگی تاریخی در یونسکو مطرح شود. سید محسن علوی، مدیرکل میراث فرهنگی و گردشگری استان کردستان با اعلام این خبر گفت: کارشناسان تدوین پرونده ثبت جهانی منطقه اورامان در کردستان کار خود را برای تکمیل این پرونده آغاز کرده‌اند و بر اساس صحبت‌های مطرح شده با سازمان میراث فرهنگی، قرار است پرونده ثبت جهانی «منظر فرهنگی منطقه اورامان» تا پایان شهریور در استان کردستان تکمیل شود و سپس به سازمان میراث فرهنگی و گردشگری برای تکمیل فرستاده شود. او با اشاره به محلق شدن استان کرمانشاه به عنوان یکی از تهیه‌کنندگان این پرونده برای ثبت جهانی، اظهار کرد: این پرونده در دو بخش تهیه می‌شود، یکی بخش مقدماتی که باید در استان تهیه شود و بخش دوم که در دفتر ثبت آثار جهانی در سازمان میراث فرهنگی تکمیل و سپس به یونسکو فرستاده می‌شود. بنابراین قرار است پروندهی «منظر فرهنگی اورامان» در ۲۰۱۸ جزو پرونده‌های فرهنگی تاریخی ایران و به عنوان یک منظر فرهنگی به یونسکو فرستاده شود

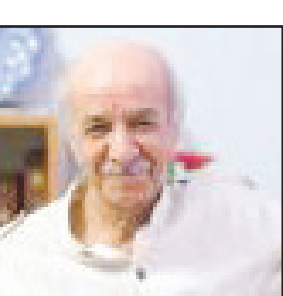


وی در توضیح میزراهایی که بر اساس آن این پرونده در دست تکمیل است، گفت: می‌توان به این نکته اشاره کرد که در این منطقه انسان به بهترین شیوه از طبیعت برای زندگی خود استفاده کرده و شیوه سنتی زندگی در یک محیط کمتر دچار تغییرات شده است. حس می‌شود که لایه‌های زندگی صنعتی روزانه در آن‌جا نیز نفوذ کرد است حتی اگر یک روستا باشد. اما در تقاطعی که دچار کمترین تغییرات شده و انسان به همان شیوه قبلی با طبیعت سازش کرده است و از محیط طبیعی خود برای زندگی کردن بهره می‌برد. این یکی از مهم‌ترین موارد است. او تاکید کرد: این گروه پس از تکمیل پرونده اورامان قرار است چند روستا که دارای بافت تاریخی بارزش هستند را نیز برای ثبت در فهرست آثار ملی بررسی و پرونده آن‌ها را تهیه کند.

در فرهنگسرای ارسباران برگزار می‌شود

محسن کرامتی

در دوازدهمین نشست «آیین آواز»



همچنین معرفی هنرجویان برگزیده آن‌ها در فرهنگسرای ارسباران شکل گرفته است. ضمن این‌که در هر نشست محثی فنی و تئوریک از میان مباحث مرتبط با هنر آواز با حضور صاحب‌نظران ارائه می‌شود.

«باغ‌های معلق انگور» منتشر شد

دیگر دست اندرکاران تولید آلبوم «باغ‌های معلق انگور» بوده‌اند.

گروه موسیقی «گاه» به سرپرستی حمید مردابیان فعالیتش را از سال ۹۴ در عرصه موسیقی آغاز کرده است. این گروه زمستان سال ۹۴ کنسرتی را در باغ

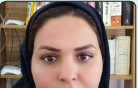
نگارستان تهران روی صحنه برد و اردیبهشت ماه امسال نیز در تالار رودکی تهران قطعات آلبوم «باغ‌های معلق انگور» را اجرا کردند.

۵

چهارشنبه ۱۸ مرداد ■ شماره ۲۰۷

یاد

عرفان لایت با طعم رمان



الهام رنیزی‌فردانیه– روزنامهنگار



شرکت در جنگ جهانی دوم ، زندگی با فقر و مشکلات روحی و روانی او را به سمت فلسفه عرفانی سوق داد و نشانه‌های آن به‌طور کامل در آثارش قابل رؤیت است.

هرمان هسه ادیب، نویسنده و نقاش آلمانی و برنده جایزه نوبل در ادبیات، در ۲ ژوئیه ۱۸۷۷ میلادی در شهر کالو واقع در کشور آلمان در خانواده‌ای فرهنگی دیده به جهان گشود

وی به‌واسطه مادرش که فرزند یک استاد هندشناس بود با فرهنگ شرقی از جمله فلسفه هندوستان آشنا شد؛ به همین دلیل نیز در فلسفه مشرق زمین در تمام آثار او به چشم می‌خورد

او علاوه بر جایزه نوبل، هشت جایزه ادبی دیگر از جمله جایزه جهانی گوته را به دست آورده است. طی عمر ۷۵ ساله خود، هسه زندگی پر فراز و نشیبی را تجربه کرد.

او در جنگ جهانی دوم شرکت کرد و به بحران‌های روحی و بیماری‌های روانی شدید دچار شد و طعم فقر را چشید.اما به‌رغم همه این‌ها، بیش از ۲۵ رمان، مجموعه شعر و با کتاب داستان کوتاه از خود به یادگار گذاشت.

در ایران بیش از ۱۰ اثر از این نویسنده به ترجمه رسیده‌اند که از میان آن‌ها می‌توان به کتاب‌هایی چون «سیذارتا»، «بازی مهره شیش‌شاهی»، «داستان دوست من»، «از عشق و جدایی»، «کرتود»، «آخرین تابستان کلیتگزور»، «اگر جنگ ادامه یابد»، «سفر به سوی شرق» و «تیزهوش» اشاره کرد.

ترجمه کتاب‌های «هسه» در ایران از ۶۰ سال پیش آغاز شده است و او را به عنوان نویسنده‌ای بزرگ در این کشور می‌شناسند. اما هسه شاعر، نقاش و منتقد کمتر در این میان شناخته شده است.

چندی پیش رضا نجفی مترجم مجموعه شعر «پرسه زدن در مه» در مورد «هسه» چنین گفت: «بی‌شک اگر بعضی از منتقدان که هسه را صرفاً نویسنده‌ای ماتریک و احساساتی می‌شمارند، می‌توانستند آثار او را به زبان آلمانی بخوانند و با ساختار جهان شعری او آشنا شوند، بسی ارزش‌های ادبی والا‌تری را در آثارش می‌یافتند.»

هرمان هسه در آثارش مبارزه جاولانه روح و زندگی را ترسیم نموده و با نگرشی هنرمناانه به دنبال ایجاد تعادل بین این دو پدیده قلم فرسوده‌است. هسه در خانواده‌ای اصلاح‌طلب در منطقه در جنوب آلمان به دنیا آمد و تحت تأثیر مادرش که مبلغ مذهبی در هندوستان بود، به فلسفه هندی روی آورد.از دهه سوم قرن بیستم، به عنوان تبعه سوئیس در منطقه «تیچینو» به گوشه گیری نشست. گرایش به رومانسیسم و طبیعت‌گرایی از نمودهای چشم‌گیر آثار قدیمی‌تر هسه است. این سبک در یکی از اولین رمان‌هایش به نام پیتز کامنسیند (۱۹۰۴)، که با استقبال بی‌نظیری روبرو شد، به چشم می‌خورد. وی به طور جدی به مشکلات انسان‌ها و روابط بین آن‌ها و همچنین نقش هنرمند در جامعه، پرداخته و در رمان‌های گرتود (۱۹۱۰) و رُسه‌الده (۱۹۱۴) این مضمحل را به شیوه هنرمندانه‌ای مطرح می‌نماید. هسه به عنوان نماینده جریان‌ات صلح‌طلب – پاسیفیسم، از طرفدارانی مانند تئودور هوسر برخوردار بود و در جمع دوستانش قرار داشتند. در این ارتباط افرادی هم از آلمان حملات خصمانه خود را علیه او آغاز کردند. هسه پس از آشنایی با یوزف ب. لانگ، از شاگردان کارل گوستاو یونگ، از طریق این مشاور با آثار زیگموند فروید و یونگ آشنا شد. هسه از طریق این آثار دریافت که هریک از فرارهای دیوانه‌وار و فرآیندهاش در فاصله سال‌های ۱۹۰۴ تا ۱۹۱۴ در واقع فرار از خویش‌ترن بوده‌اند، بازتاب دردها و رنج‌های درونی‌اش بوده‌اند در دنیای بیرون، و نوشته‌هایش نیز قرینه سازی ای از خویش‌ترن خودش بوده‌اند. چنانچه که در ۱۹۲۱ در مقدمه یک نویسنده خاطرنشان کرد: "تمام این داستان‌ها مربوط به خود من بودند، بازتابی بودند از راهی که در پیش گرفته‌بومد، از رویاها و آرزوهای پنهانم و از رنج تلخ."

هرمان ههسه متأثر از بیماری همسرش که مبتلا به شیزوفرنی بود، در سال ۱۹۱۶ به یک

بحران عمیق روحی (افسردگی) مبتلا شد و تحت مداوا قرار گرفت. هسه در کتاب دیمان روایتی

از جوانی، عناصر ساختاری – روان‌تحلیلی را ترسیم نمود. این کتاب به دلیل جو خصمانه‌ای که

علیه وی و فضای سیاسی – اجتماعی آلمان مسلط بود، به نام مستعار «امیل سینکلر» منتشر شد که در چاپ شانزدهم نام حقیقی نویسنده آشکار گردید. سال‌های ۱۹۱۸ – ۱۹۱۹ میلادی سال‌های جنایی از خانواده، گوشه‌گیری و اقامت در «تیچینو» بود. این حوادث در داستان‌های

کوتاه وی در طی دو یا سه روضتی به‌جای گذاشته‌است، مانند:

کلاوین و وانگر Wagner و Klein/۱۹۱۹

آخرین تابستان کلیتگزور Klingsors letzter Sommer/۱۹۱۹

هرمان هسه در (۹ اوت ۱۹۶۲ میلادی) در تسین واقع در سوئیس درگذشت.

سیذارتا: هیچ آدابی و تربیتی مجو

یادداشت هرمان هسه در سال ۱۹۵۹ که برای خوانندگان فارسی این اثر نگاشته می‌تواند راهگشای خوبی برای درک این داستان باشد. اومی نویسنده: «این حکایتی قریب به ۴۰ سال پیش به رشته تحریر در آمد و ماحصل معلومات مردی است عیسوی که تربیت و تعلیمش در دامان مسیحیت انجام یافته و سپس خود وی کلیسا را در سنین جوانی ترک کرده تا بسرای ادراک کیفیت مذهبی و طرق مختلف پرستش و عبادات بشری مینای واحد همه را پیدا کند. شخصیت اصلی داستان سیذارتا (که در لغت به معنای چوبنده است) خانه پدری را در جست‌وجوی حقیقت نابی که در بطن زندگی جریان دارد با همراهی دوستش گوویندا ترک می‌گوید. ابتدا در جنگلی از دشمنان درخمنند درس‌های ریاضت و روزه و رهایی کامل از خویش را فرامی‌گذرد؛ درس‌هایی که باید او را به نیروانا ببرد.

اما این آموزش چندان در سیذارتا کارگر نمی‌افتد و چنان نیست که به روح او آرامش بخشد. در همین احوال، با مردی روبه‌رو می‌شود که چهره‌ای درخشان و صاف دارد. مرد باشکوهی که بودا نامیده می‌شود. او به محض دیدن مرد درمی‌یابد که این مرد همان کسی است که می‌تواند او را به خرد ناب برساند. بودا هیچ آیینی را به آن دو نمی‌آموزد.

بلکه از سیذارتا می‌خواهد که خود را از هر جهان‌بینی از پیش داشته رها کند و به تجربه انشوری بپردازد. تجربه‌ها را آغاز کند و با زندگی پیش پا افتاده درآمیزد تا بتواند از آن فراتر رود. بنا به توصیه‌ها، سیذارتا جنگل را رها می‌کند تا مانند مردم عادی زندگی کند. در این راه با دختر زیبایی به نام کاملا و شریک آیدناش کاماسوامی تاجر آشنا می‌شود.

زمانی که به نظر می‌آید جلوه‌های تمدن زندگی او را در خطر انداخته است و هنگامی که چند قدمی با مرگ فاصله ندارد خرد ناب بر او آشکار می‌شود، و به کناره رود پناه می‌برد؛ رودی که نماد نهایت است و نماد آرامشی که به کمال یافتگان، به آنان که هرگونه جست‌وجوی منافع خاص را ترک گفته‌اند، ارزانی می‌شود.

هسه خواسته است که در برابر سیذارتا، تمدن غرب با انسان معاصر را در شخصیت همراه

او، گوویندا، بنمایاند که در مقابل ارزش‌های معنوی بی‌تفاوت است و آنچه می‌بیند فزونی است که باید از راه روش‌های عقلمانی به دست آورد. انسانی که حاضر نیست بهایی بابت آن چه به دست می‌آورد بپردازد و به سرنوشتی مانند گوویندا مبتلا می‌شود و در جای خود باقی می‌ماند. در پایان رمان او به هیچ پیشرفتی دست نیافته است. حال آن که سال‌های آموزش دوستش را به برترین حقیقت رهنمون بوده است. پس، نزد سیذارتا می‌آید و تمنا می‌کند که خرد را به او «بیاموزد». اما، خرد آموختنی نیست و سیذارتا دیگر میاتیجی شده است.

مستقل